

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۲۳ می ۲۰۱۲

از عمل انقلابی تا بی تفاوتی عملی

{در یادمان امیر پرویز پویان، رحمت الله پیروندیزی و اسکندر صادقی نژاد}

دو دوره و دو کارکرد متفاوت کمونیستی را می‌توان از هم متمایز ساخت و همچنین پیشرفت و پسرفت هر انقلابی را می‌توان با این دو خصیصه سنجید. در حقیقت آرمان کمونیستی با بی‌جوشی و با بی‌حرکی مغایر است. حیات و سرزندگی کمونیسم با عمل انقلابی مدافعان آن گره خورده است. این چنین بوده است و خلاف آن، تحریف آرمان کمونیستی است. می‌توان به‌عنوان یک سازمان و یا حزب سیاسی برای دوره معینی از عمر خود را به سازماندهی درونی اختصاص داد و از عرصه عملی و ارتباط با جنبش‌های اعتراضی به دور ماند؛ اما نمی‌توان و نمی‌باید جایگاه و اهمیت پراتیک انقلابی را کمرنگ و بی‌رنگ نمود و یا آن را تا ابد به حاشیه انداخت. می‌توان به ده‌ها دلیل سازمانی – تشکیلاتی به "نقد" تئوریک – سیاسی و ناکرده‌های خود نشست؛ اما نمی‌توان تا ابد از پیوند این دو مقوله سر باز زد.

به کلامی دیگر، فقدان تعرض به دشمنان طبقاتی کارگران و زحمت‌کشان با نفس انقلاب در تناقض است؛ بی‌عملی مغایر با اصول اولیه مارکسیست – لنینیستی است و سازمان کمونیستی بدون انتخاب تاکتیک‌های تعرضی بازنده است. بر مبنای چنین پیش فرض‌های پذیرفته شده کمونیستی است که می‌توان، جایگاه پیشاهنگ، و پیشقراولان جنبش‌های اعتراضی را باز شناخت و در جهت تقویت هر چه بیشتر آن تلاش ورزید. اگر نگوییم از سه دهه قبل، ولی امروزه و به جرأت می‌توان گفت که جنبش کمونیستی ایران دوران سخت و بس اسفباری را سپری می‌کند و از انجام پائین‌ترین وظایف کمونیستی خود باز مانده است. دورانی که با آرمان کمونیستی امیر پرویز پویان و دیگر یارانش در تضاد است؛ دورانی که پویان‌ها خلاف جو حاکم بر جامعه، و خلاف تسلیم‌طلبی‌ها و بعضاً عقب‌نشینی کمونیست‌ها سیاست به پیش را در پیش گرفتند و علی‌رغم خفایا و دستگیری‌های روزانه، دم و دستگاه‌های اطلاعاتی شاه را مورد خطاب قرار دادند و اعلام نمودند:

"برای این‌که باقی بمانیم باید تعرض کنیم؛" اعلان نمودند که دوام رژیم‌های مسلح با سرکوب پیوند خورده است و اعلان نمودند که تنها با کار بستن سلاح است که می‌توان نظم و ترتیب دلخواه سرمایه‌داران وابسته را در هم

ریخت. آری، پیشاهنگ پرولتری در بستر چنین فضاء و شرایطی سر در آورده و رشد نموده است و به جریان محبوب هزاران توده و جوان تبدیل گشت.

بی شک زمان زیاد و نزدیک به نیم قرنی است که از پایه‌گذاری ایده "تعرض کنیم تا باقی بمانیم" می‌گذرد و به تبع آن جنبش کمونیستی از بلندی‌ها و پستی‌های گوناگونی عبور نموده است و در این‌میان انحراف و عقب‌نشینی، شکست و بی‌تفاوتی عملی را می‌توان از زمره خصیصه‌های سه دهه جنبش کمونیستی ایران به حساب آورد. روز و روزگاری، پرچم کمونیسم با دخالت‌گری و با عمل انقلابی فرزندان کارگران و زحمت‌کشان تعریف می‌شد و متأسفانه امروزه با تمایلات درونی سازمان‌ها و احزاب ترسیم می‌شود؛ روز و روزگاری پیشاهنگ، پیشقراول اعتراضات کارگری – توده‌ای بود و امروزه سازمان و یا حزب کمونیستی، در پس ارایه جنبش‌های اعتراضی قرار گرفته است؛ روز و روزگاری عمل انقلابی پیش درآمد هرگونه فعالیت کمونیستی بود و امروزه بی عملی به اولویت کاری کمونیست‌ها تبدیل گشته است. معین است که این دو نگاه، دو ثمره کاملاً متضاد از هم را به بار خواهد آورد. چرا که یکی نماد بالندگی و شکوفائی است و دیگری مبلغ انجماد و مردن است. یکی پیش‌برنده انقلاب است و دیگری انقلاب را به عقب می‌راند. مگر بی دلیل بوده – و می‌باشد – که از نام کمونیست‌های آن‌زمان و از سازمان گذشته به نیکی یاد می‌کنند؟ باری، امیرپرویز پویان و دیگر یارانش از آن نسل پر افتخاراند و بی‌گمان نام و پرانتیک سازمان‌شان تا ابد در ذهن‌ها ماندگار خواهد ماند.

بنابراین و بر مبنای چنین واقعیاتی و به چه دلیل نمی‌توان تفاوتی مابین کمونیست امروزی با کمونیست دیروزی قائل شد؟ به چه دلیل نمی‌توان کارکردهای امروزی جریانات به اصطلاح مدافع آن رفقاء را هم‌ردیف با سیاست و تاکتیک‌های آنان قرار نداد و نام اینان و "سازمان" شان را به حساب میراث‌خواران نگذاشت؟ متأسفانه رفتار و کردار "دنباله" روان راه آن رفقاء دو کارکرد کاملاً متفاوت را به نمایش می‌گذارد. دلیل این امر واضح است، چرا که تعلقات مغایر از هم است؛ چرا که آن سیاست – و متد کاری پویان‌ها – در خدمت به شکستن جو خفقان حاکم بر جامعه و در خدمت به ایجاد فعالیت‌های کمونیستی مطلوب‌تر و ارتباط با پایگاه‌های اجتماعی‌اش بود و در مقابل این سیاست در انتظار نشسته است. آن سیاست نویدبخش، امید دهنده، تأثیرگذار و جذب کننده بود و این سیاست ناامید کننده و رم دهنده است. آن سیاست پای به‌میدان عملی مبارزه گذاشت و تا آخرین لحظه در میدانی متفاوت مبارزاتی حضور داشت و علی‌رغم تور گسترده پلیسی و بی امکانی و ده‌ها کمبود، رژیم سرپا مسلح را به مصاف طلبید و این سیاست در کمین، "فرصت" اهداء شده نشسته است!!

به راستی که پرسشی بزرگ از جانب همه، بی پاسخ مانده است که ماهیتاً چه تفاوتی است مابین سازمان رزمنده و کمونیستی آن‌زمان، با سازمان مدعی پیشاهنگ و هدایت مبارزات کارگری – توده‌ای امروزی؟ علی‌رغم تمامی ادعاهای موجود، پیرامون کسب تجربه و "پرباری" و "نوآوری" تئوریک، کدام سیاست و تاکتیک و کدام عنصر کمونیست در جهت تغییر فضای جامعه و پس زدن دشمنان کارگران و زحمت‌کشان از قدرت حکومتی تلاش عملی نموده است و متعاقباً چه دستاوردهای مبارزاتی را در جامعه و برای نسل آتی بر جای گذاشته است؟ مسلم است که تفاوت‌های زیادی در این چندین دهه در درون جامعه رخ داده است و شکی در آن نیست و تأکید بر آن است که جنبش‌های اعتراضی همگانی شده است و همچنین ابعاد اعتراضات و تحصنات در این دوران قابل شمارش نیست، اما در کنار چنین واقعیاتی، حقیقت دیگری وجود دارد مبنی بر این‌که اس و اساس و پایه‌های رژیم جمهوری اسلامی با رژیم گذشته - شاهنشاهی - یکسان است و بنیاد رژیم کنونی هم به‌مانند رژیم گذشته با قلع و

قمع اعتراضات کارگری - توده ئی پای ریخته شده است؛ بنیادی که مولد انتخاب تاکتیک‌های سازمانی نیروهای کمونیستی به‌منظور بسیج توده‌ئی و ساقط نمودن سلطه حاکمیت امپریالیستی است.

در عمل مشاهده شده است که این رژیم مخالف سرسخت هرگونه فعالیت‌های ابتدائی و پایه‌ئی توده‌ئی است و در این‌میان کمتر کسی است که در درنده‌خوئی رژیم شک و شبهه ای داشته باشد و کمتر کسی است تا ماهیت این رژیم را به‌عنوان رژیم سرکوبگر به رسمیت نشناسد. همه، طعم سرکوب رژیم جمهوری اسلامی را چشیده‌اند و در این‌میان هیچ جریان و یا مخالفی از تیررس سردمداران رژیم جمهوری اسلامی مصون نمانده است. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در حق میلیون‌ها انسان رنج‌دیده این‌چنین کرده‌اند و همچنان با ارتکاب اعمال ضد انقلابی در پی خاموشی و پس زدن انقلاب‌اند. از همان آغاز و به بهانه تحکیم انقلاب به انقلابیون حمله نموده‌اند و به بهانه برقراری دموکراسی، دامنه اسارت آزادی را تنگ و تنگ‌تر نموده‌اند. بنابراین جامعه نیاز به انتخابی دیگر و خلاف انتخاب تاکنونی نیروهای کمونیستی دارد؛ نیاز به نیروی عمل با برنامه دارد؛ نیاز به سازمان کمونیستی رزمنده، بسیج‌کننده و دخالت‌گر دارد؛ سازمانی که بتواند با عمل انقلابی خود فضای جامعه را دگرگون سازد و امیدی تازه به نسل جوان امروزی دهد و راه مسدود شده مبارزه را هموار سازد؛ نیاز به آن دارد تا علیه بی تفاوتی‌های عملی قد علم نماید و راه نوین و ثمربخش مبارزه را پیشه خود سازد.

در حقیقت آزادی کارگر و جامعه در گرو حل تضاد عملی است، در گرو بُرش پیشاهنگ انقلابی در درون جامعه است؛ پیشاهنگی که دوشادوش اعتراضات کارگری - توده‌ئی سینه دشمنان را نشانه گیرد و آنان را از جان و مال میلیون‌ها انسان محروم پس زند. کار و راهی که امیرپرویز پویان و دیگر کمونیست‌های دوران شاهنشاهی در مقابل خود قرار دادند و بدون کمترین چشم‌داشت سیاسی به جنگ نارسائی‌ها شتافتند و جنبش کمونیستی را از رکود و خمودگی، و از بی‌عملی مفرط به در آوردند.

بی‌مناسبت نیست تا در چهل‌ودومین سال‌گرد جانباختن امیرپرویز پویان، رحمت‌الله پیروندیزی و اسکندر صادقی‌نژاد که در سَوم خرداد [جوزا] هزار و سیصد و پنجاه و در نبردی رو در رو با سرکوبگران رژیم شاهنشاهی جان باختند، یکبار دیگر بر موضوع اشاره گردد که رشد و ضمانت انقلاب با پیگیری راه آنان گره خورده است و زمانی می‌توان توده‌ها را از وضعیت ناهنجار کنونی به در آورد که عمل انقلابی پویان‌ها را پی گرفت و بر بی‌تفاوتی‌های عملی فائق آمد.

۲۲ می ۲۰۱۲

۲ خرداد [جوزا] ۱۳۹۱